

بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند با قواعد و نقل‌های تاریخی رسم‌المصحف

مجتبی محمدی انویق^۱

مرتضی توکلی^۲

مرتضی رحیمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶، صفحه ۱۳۲ تا ۱۵۰ (مقاله پژوهشی)

چکیده

علم رسم‌المصحف، از قواعد و روش‌هایی در باب کتابت قرآن سخن می‌گوید که به واسطه منقولات دانشمندان از مصاحف کهن، در دسترس قرار گرفته‌اند. کتاب‌های *المقنع* و *مختصر التبین*، مهم‌ترین منابع دانش رسم‌المصحف به شمار می‌روند که در نگارش اکثر مصاحف جهان اسلام مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ چنان‌که به نویسندگان آن‌ها، لقب «شیخین علم رسم‌المصحف» اطلاق شده است. این مقاله کوشیده است که رسم کلمات مصحف تاشکند به‌عنوان معروف‌ترین مصحف از حیث انتساب به خلیفه سوم را با نقل‌های دو کتاب مذکور مقایسه کرده و میزان انطباق گزارش‌های رسم‌المصحف را با رسم نمونه‌ای از مصاحف کهن ارزیابی کند. رسم کلمات در مصحف تاشکند سه دسته است: ۱- رسم‌هایی که با نقل‌های شیخین همخوانی دارد؛ ۲- رسم‌هایی که تنها با نقل‌های یکی از شیخین همخوانی دارد؛ ۳- رسم‌هایی که با نقل‌های شیخین ناهمخوان است. رسم‌های ناهمخوان با نقل‌های شیخین در مصحف تاشکند، به دو بخش قابل تقسیم است: الف) رسم‌هایی که عالمانی دیگر، آن‌ها را در گزارش‌های خود، نقل کرده‌اند؛ ب) رسم‌هایی که برای آن‌ها گزارشی یافت نمی‌شود. نتیجه پژوهش حاضر نشان از آن دارد که گزارش‌های علم رسم‌المصحف باید با مراجعه مستقیم به مصاحف کهن، تکمیل و در مواردی اصلاح شوند.

کلیدواژه‌ها: مصاحف کهن، رسم الخط قرآن، رسم‌المصحف، مصحف تاشکند.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) // mo.mohammadi@ilam.ac.ir

۲. مدیر تحقیق مرکز طبع و نشر قرآن کریم / mot1447@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی / hafeze2@yahoo.com

درآمد

علم رسم المصحف در میان مباحث مربوط به علوم و تاریخ قرآن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد توجه قرآن‌پژوهان و عالمان این عرصه قرار گرفته است. این دانش که همگام با علم قرائات شکل گرفته است، درباره تاریخ، قواعد و روش‌های نگارش کلمات قرآن کریم بحث می‌کند. درباره رسم المصحف، کتاب‌های فراوانی در طول تاریخ اسلام نوشته شده که مشهورترین و مقبول‌ترین آن‌ها، دو کتاب *المقنع فی معرفه مرسوم مصاحف الامصار* ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ق) و *مختصر التبیین لهجاء التنزیل* ابوداود سلیمان بن نجاح (د ۴۹۶ق) است. در کتاب‌های مذکور با تکیه بر مشاهدات و تحقیقات نویسندگان، قواعد به‌کاررفته در رسم المصحف عثمانی در قالب ابواب گوناگونی بیان شده است. هرچند میان ابو عمرو دانی و ابوداود، نسبت استاد و شاگردی وجود داشته است؛ با این حال، در پاره‌ای از قواعد و مواضع، اختلافاتی میان این دو عالم وجود دارد. کتاب‌های *المقنع* و *مختصر التبیین*، امروزه مبنای علم رسم المصحف و نگارش کلمات قرآن کریم در اغلب کشورهای اسلامی قرار گرفته‌اند که در این راستا برای نمونه، مصحف لیبی موسوم به مصحف الجماهیری و مصحف رایج در شبه قاره هند را نام برد که کتاب *المقنع* را ملاک نگارش قرآن کریم قرار داده‌اند. همچنین، یکی از مصاحف مشهور جهان اسلام به نام مصحف امیری که در سال ۱۳۳۷ قمری به کوشش گروهی از عالمان مصر به سرپرستی محمدعلی خلف‌الحسینی نوشته شده، بر مبنای همین دو کتاب پایه‌ریزی شده است. شایان ذکر است که مصحف مذکور برای نخستین بار در سال ۱۳۴۲ قمری و در زمان ملک فؤاد اول انتشار یافت و سپس، در سال ۱۴۰۵ قمری با عنوان مصحف مدینه توسط عربستان سعودی چاپ گردید و امروزه مشهورترین قرآن در میان جوامع اسلامی به شمار می‌رود. اهمیت دو کتاب *المقنع* و *مختصر التبیین* در علم رسم المصحف به حدی است که مؤلفان آن‌ها، شیخین علم رسم المصحف لقب گرفته‌اند. بررسی و تطبیق رسم به‌کاررفته در مصحف تاشکند با قواعد مذکور در این دو کتاب تا حد بسیاری میزان اتقان و استواری مطالب بیان‌شده در آن‌ها را نشان می‌دهد. افزون بر دو کتاب مذکور، آثار دیگری نیز درباره رسم کلمات قرآن کریم نوشته شده که از جمله آن‌ها، دو قصیده معروف *عقیله اتراب القصائد* شاطبی (د ۵۹۰ق) و *مورد الظمان* محمد بن محمد شریشی معروف به خراز (د ۷۱۸ق) را می‌توان نام برد. جایگاه والای این دو کتاب را می‌توان از شروح بسیاری که بر آن‌ها نوشته شده است، دریافت. بیان مختصر قواعد رسم، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دو کتاب به شمار می‌رود. علاوه بر این، در بسیاری از کتاب‌های علوم قرآن و قرائات، مطالب گسترده‌ای درباره

رسم‌المصحف بیان شده و این موضوع را از زوایای گوناگون بررسی کرده است. در دوره معاصر نیز عالمان و پژوهشگران زیادی در حوزه رسم‌المصحف تحقیق کرده و آثار درخور و قابل‌اعتنایی منتشر کرده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب‌های *سمیر الطالبین* از علی‌محمد الضباع، و *رسم المصحف دراسة لغویة تاریخیة و المیسر فی علم رسم المصحف الشریف وضبطه* از غانم قدوری الحمد اشاره کرد.

کتاب‌های رسم‌المصحف در واقع، گزارش‌هایی از مشاهدات عینی راویان و عالمان هر دوره از شیوه نگارش کلمات قرآن کریم در مصاحف موجود در آن زمان است که اکنون مبنایی برای نگارش بسیاری از مصاحف مشهور جهان اسلام از جمله مصحف امیری، مصحف مدینه، مصحف جماهیریة لیبی و مصاحف شبه قاره هند قرار گرفته است. اما از سوی دیگر، امروزه در کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر جهان، مصاحفی نگهداری می‌شود که قدمت آن‌ها به قرون اول هجری و حتی قرن نخست بازمی‌گردد؛ مصاحفی که حتی در بسیاری از مواقع، از دسترس عالمان و ناقلان رسم‌المصحف پنهان مانده و گزارش رسم کلمات آن‌ها به دست ما نرسیده است. بررسی و تاریخ‌گذاری مصحف تاشکند در بدو امر نشانگر اهمیت این نسخه در میان مصاحف کهن می‌باشد. این مقاله به دنبال آن است که با روش توصیفی - تحلیلی نشان دهد مراجعه مستقیم پژوهشگران حوزه رسم‌المصحف به مصاحف کهن در کنار توجه به منقولات و روایات این علم بسیار حائز اهمیت است.

طرح مسئله

توجه به شیوه رسم مصاحف کهن و مراجعه مستقیم به آن‌ها در کنار گزارش‌ها و منقولات علم رسم‌المصحف، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ مسئله مهمی که اغلب از سوی پژوهشگران، مغفول مانده است. پژوهش حاضر در صدد است که به‌عنوان نمونه، رسم مصحف تاشکند را با قواعد و نقل‌های دو کتاب *المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف الامصار* و *مختصر التبین لهجاء التنزیل* که از سوی شیخین علم رسم‌المصحف نوشته شده، مقایسه کرده و میزان انطباق گزارش‌های آن دو را با رسم‌النخط این مصحف ارزیابی کند. در همین راستا، پس از بیان خلاصه‌ای از سرگذشت مصحف تاشکند، به بررسی آن از منظر علم رسم‌المصحف پرداخته و میزان پای‌بندی رسم آن در مقایسه با گزارش‌های شیخین به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است که دسترسی به مصحف تاشکند از طریق نسخه میکروفیلم موجود در کتابخانه دانشگاه تهران با شماره SSD ۱۴۴۰۳ و نیز برخی اوراق پراکنده از این مصحف در موزه‌هایی مانند

موزه هنرهای اسلامی قطر و متروپلیتین در نیویورک امکان‌پذیر و تحقیقات بر روی آن، از طریق بررسی تمامی کلمات کتابت‌شده در اوراق موجود انجام شده است.

۱. تعریف مصحف تاشکند

در حال حاضر، اطلاعات دقیق و مشخصی از سرگذشت مصاحف کتابت‌شده از سوی عثمان در دسترس نیست؛ با این حال، در برخی از کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر جهان، مصاحفی وجود دارد که ادعا می‌شود همان مصحف عثمان است. از مشهورترین این مصاحف، قرآنی است که در موزه تاشکند ازبکستان نگهداری و در میان مسلمانان با نام مصحف عثمان شناخته می‌شود. این مصحف، مورد توجه پژوهشگران علوم قرآن به‌ویژه مستشرقان قرار گرفته و به انتشار آثار متعددی در این باره منجر شده است که برای نمونه می‌توان موارد زیر را برشمرد.

- مقاله شیبونین (Shebunin) به زبان روسی که به عربی نیز ترجمه شده است:
Shebunin, *Kuficheski Koran Imp. SPB. Publichnoi Biblioteki*, 1891.
- مقاله مندلسون (Mendelsohn) در سال ۱۹۴۰ میلادی:
Mendelsohn, "The Columbia University Copy of the Samarqand Kufic Qur'an", *the Moslem World*, 1940.
- مقاله مشترک مندلسون و آرتور جفری (A. Jeffery) در سال ۱۹۴۲ میلادی:
Jeffery, A.; Mendelsohn, I., "The Orthography of the Samarqand Quran Codex", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 62, No. 3, 1942.
- مقاله هنری لندسل (H. Lansdell) در سال ۱۹۷۰ میلادی:
Lansdell, Henry, "Russian Central Asia", New York, Arno Press, ۱۹۷۰.
- تحقیقات متعدد افیم رضوان (E. Rezvan):
Rezvan, E., "The Qur'an of 'Uthmān" (St. Petersburg, Katta-Langar, Bukhara, Tashkent), St. Petersburg, 2004; "The Quran and Piwer in Russia. I: Manuscript", 2008; "The Secret of the Uthman Qur'an", Hermitage, 2009.
- نوشته‌های فرانسوا دروش (F. Déroche):
Déroche, F., "Note sur les fragments coraniques anciens de Katta Langar (Ouzbékistan)", 1999; *Patrimoine manuscrit et vie intellectuelle de l'Asie centrale islamique*; "Manuscripts Of The Qur'an", *Encyclopaedia Of The Qur'an*, 2003; "Twenty Leaves From The Tashkent Qur'an" in S. Blair & J. Bloom (Eds.); "God Is Beautiful And Loves Beauty", *The Object In Islamic Art and Culture*, 2013.
- مقاله طیار آلتی قولاج در مقدمه مصحف شریف منسوب به عثمان بن عفان (نک: آلتی قولاج،

المصحف الشريف المنسوب الى عثمان بن عفان نسخة المشهد الحسيني بالقاهرة، استانبول، مركز الابحاث للتاريخ والفنون والثقافة الاسلاميه باستانبول، ۲۰۰۹م).

▪ کتاب اسماعیل مخدوم با عنوان «تاریخ المصحف العثماني فی طشقند» در سال ۱۹۷۱ میلادی. افزون بر موارد مذکور، نشست‌هایی نیز در قاهره، میان متخصصان اروپایی و مصری زیر نظر سرجیو نویا نوسدا (Sergio Noya Nosedá) در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی در این باره برگزار شده است (See: Rezvan, 2004, 1).

همانطور که مشاهده می‌شود، درباره تاریخ مصحف تاشکند مقالات نسبتاً متعددی نوشته شده است؛ با این حال، درباره رسم کلمات این مصحف و جایگاه علم رسم‌المصحف در آن، پژوهشی انجام نشده است.

الف) سرگذشت مصحف تاشکند

افیم رضوان، خاورشناس روسی، حین بحث از مصحف تاشکند که با نام‌های مصحف سمرقند کوفی و مصحف عثمان نیز شناخته می‌شود، می‌گوید: «در سال ۱۲۴۳ میلادی، مصحفی که به قرآن عثمان شهرت داشت، از سوی سلطان بیبرس مصری (درباره وی نک: حبیبی مظاهری، ۱۳۸۳ش، ۲۶۲/۱۳) به برکه خان (د ۱۲۶۶م)، فرمانروای اردوی زرین (درباره وی نک: بارتولد و بویل، ۱۳۸۶ش، ۱۷۲/۳) که به اسلام گرویده و آشکارا با دولت عباسی بیعت کرده بود، هدیه داده شد. سپس، حدود ۱۵۰ سال بعد از آن، تیمورلنگ به اردوی زرین لشکرکشی کرد و پس از شکست آنان، مصحف تاریخی را به عنوان رمز قدرت، با خود به سمرقند منتقل کرد (Rezvan, 2008, 21). به نظر می‌رسد این توصیف، درباره همین مصحف تاشکند است که در اختیار خواجه احرار^۱ قرار گرفته و در طول سال‌ها و قرن‌ها به عنوان مصحف عثمان، مورد تقدیس مسلمانان قرار گرفته است. هنری لندسل (Henry Lansdell) نیز در این باره گفته است: «گوا امیر تیمور گورکانی (د ۸۰۷ق)، قطعاتی از آیات قرآن منسوب به خط عثمان را همراه خود از شام به سمرقند منتقل کرده است» (Lansdell, 1970, 175). به هر حال، مصحف مذکور از همان زمان در سمرقند جای گرفت و بعدها در معبد خاصی در مدرسه دیوان بیگی نزدیک مسجد خواجه احرار نگهداری شد. این مصحف تا سال ۱۸۶۹ میلادی در میان بازماندگان خواجه احرار نگهداری می‌شد تا اینکه مورد

۱. خواجه احرار، بزرگ طایفه دراویش نقشبندیه صوفی‌های تاشکند بود. او مدرسه‌ای در سمرقند بنا نهاد و نسخه مخطوطه را به آنجا برد. (مخدوم، ۱۹۷۱م، ۲۲-۴۱).

بررسی تطبیقی رسم‌الخط مصحف تاشکند

توجه کارگزاران و مسئولان روس‌های تزاری قرار گرفت (حجتی، ۱۳۸۳ش، ۱۹۰). مصحف مذکور در سال ۱۸۶۹ میلادی از سوی آبرامو (Abramov) فرماندار زرافشان از خدمه مسجد خواجه احرار خریداری و به تاشکند فرستاده شد (نک: Shebunin, 1891, 70؛ نیز جهت دسترسی به ترجمه عربی این نامه نک: ریزفان، ۱۴۳۲ق، ۱۲-۱۳)؛ سپس جهت انجام تحقیقات و بررسی‌ها به لنینگراد (سن‌پترزبورگ فعلی) انتقال یافت (See: Jeffery and Mendelsohn, 1942, 176). امروزه، نامه فن کاوفمن (Von Kaufmann) که دربردارنده اطلاعات سودمندی درباره مصحف تاشکند پس از دریافت آن از حاکم زرافشان است، در کتابخانه امپراطوری سن‌پترزبورگ محفوظ است.

در سال ۱۹۰۴ میلادی اداره سانسور سن‌پترزبورگ اجازه چاپ پنجاه نسخه از مصحف تاشکند را به پروفیسور پاکراوسکی، مدیر انستیتو باستان‌شناسی پتروگراد، داد (رامیار، ۱۳۶۹ش، ۶۷). همچنین، به فاصله یک سال پس از آن، نسخه‌ای مطابق با اصل مصحف مذکور توسط س. پیسارف (S. Pissareff) تهیه شد (Jeffery and Mendelsohn, 1942, 176; Rezvan, 2009, 28). در نهایت، پس از پیروزی انقلاب کمونیستی، لنین (Vladimir Ilyich Ulyanov) دستور بازگرداندن مصحف به تاشکند را صادر کرد (نک: حجتی، ۱۳۸۳ش، ۱۹۱). پس از بازگشت مصحف به تاشکند، آن را در کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی تاشکند نگهداری کرده و سپس به موزه تاریخ انتقال دادند.

ب) انتساب مصحف تاشکند به عثمان

مصحف تاشکند هر چند به مصحف عثمان شهرت یافته است؛ اما انتساب آن به عثمان از جهات گوناگونی قابل مناقشه است. با توجه به علم خط‌شناسی، این مصحف به نیمه دوم قرن هشتم میلادی یعنی قرن دوم هجری تعلق می‌یابد که از لحاظ زمانی، چیزی حدود صد سال با دوره خلافت عثمان، اختلاف دارد (Déroche, 2003, 261). همچنین، بر اساس آزمایش کربن ۱۴ (راديوکربن) انجام شده توسط دانشگاه آکسفورد، مصحف تاشکند با احتمال ۶۸ درصد به بازه زمانی ۶۴۰ تا ۷۶۵ میلادی (معادل سال‌های ۱۹ تا ۱۴۸ هجری قمری) و با احتمال ۹۵ درصد به بازه زمانی ۵۹۵ تا ۸۵۵ میلادی (معادل ۲۷ سال قبل از هجرت تا ۲۴۰ هجری قمری) متعلق است (Déroche, 2003, 261). البته در اینجا آزمایش کربن ۱۴ نمی‌تواند اطلاعات دقیق و قابل اتکایی از زمان نگارش مصحف تاشکند ارائه کند؛ زیرا اولاً بازه‌ای که برای آن مشخص کرده، بیش از یک و نزدیک دو قرن دامنه دارد؛ ثانياً این آزمایش، قدمت پوست و کاغذ مصحف را ارزیابی کرده و تاریخ رسم و کتابت آن را مشخص نمی‌سازد. فرانسوا دروش نیز به طور کلی، این قبیل از

آزمایش‌های کربن ۱۴ را فاقد دقت کافی و لازم دانسته و در این زمینه، بر روی سایر روش‌های تعیین قدمت مصاحف خطی از جمله خط‌شناسی و مصحف‌شناسی تأکید کرده است (نک: دروش، ۱۳۹۴ ش، ۳۲-۴۳).

اخبار تاریخی حاکی از آنند که عثمان در لحظات پایانی زندگی، مشغول قرائت قرآن بود که در همان حال کشته شد و قطراتی از خون وی بر روی مصحف ریخته شد (در این باره نک: ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ۱۴۱/۳۹). این بحث درباره مصحف تاشکند نیز که بنا به اعتقاد برخی، همان مصحف عثمان است، درگرفته است؛ به‌گونه‌ای که برخی مدعی وجود لکه‌هایی از خون عثمان بر روی برگ‌های این مصحف شده‌اند. شیونین پس از بررسی این ماجرا، وجود آثار و لکه‌های خون بر روی مصحف را رد کرده و گفته است: «تردید نیست که آثاری که امروز آن را بر روی مصحف می‌بینیم، در واقع مرکب قرمزرنگی است که عامدانه بر صفحات مصحف آغشته شده است» (Shebunin, 1891, 76). شیونین در ادامه، آغشته نشدن صفحات مجاور به لکه‌های خون را نیز دلیلی بر رد ادعای وجود لکه‌های خون عثمان بر روی این مصحف می‌داند؛ زیرا بنا به قول او، مصحف عثمان طبعاً می‌بایست در حالی که خونس تازه بود، بسته شده باشد و در این صورت، لکه‌ها به صفحات مجاور نیز باید سرایت می‌کرد؛ در حالی که اثری از خون در صفحات مجاور دیده نمی‌شود (همان).

با توجه به مطالب مذکور، روشن است که نمی‌توان انتساب مصحف تاشکند به خلیفه سوم، عثمان بن عفان را قابل پذیرش دانست.

پ) ویژگی‌های مصحف تاشکند

بخش عمده مصحف تاشکند که در این شهر نگهداری می‌شود، ۳۵۳ برگ با ابعاد ۶۸ در ۵۳ سانتی‌متر دارد که در هر صفحه به‌طور متوسط ابعاد ۵۰ در ۴۴ آن به نگارش آیات به‌طور میانگین دوازده سطر در هر صفحه، اختصاص داده شده است. این برگ‌ها حاوی ۲۵ سوره از قرآن کریم (بقره، آل‌عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، هود، یوسف، ابراهیم، حجر، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، شعراء، نمل، یس، صافات، ص، زمر، غافر، فصلت، شوری، زحرف) است که البته پیوسته نیست و افتادگی‌هایی نیز در لابه‌لای صفحات وجود دارد.

مصحف تاشکند، به‌طور کلی، فاقد نقط‌الاعراب است؛ اما در ارتباط با برخی حروف، نقاط سیاه مستطیلی شکل جهت نقط‌الاعجاب به کار رفته است. در این مصحف، از همین نقاط برای نشان دادن پایان آیات نیز استفاده شده است. افزون بر آن، برای نشان دادن تخمیس و تعشیر آیات، از

بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند

مربع‌های مذهبی استفاده شده که داخل آن‌ها با حروف ابجد نگاشته شده است. در بین هر دو سوره، یک سطر خالی وجود دارد که در برخی موارد با نوارهایی مذهب پوشانده شده است؛ بدون آنکه به نام سوره و تعداد آیات آن اشاره‌ای رفته باشد (برای اطلاعات بیشتر نک: قدوری الحمد، بی تا، ۱۹۴).

افزون بر بخش اصلی و عمده مصحف که در تاشکند نگهداری می‌شود، برگه‌هایی از این مجموعه در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ میلادی در حراجی کریستیز لندن به فروش رسیده است.^۱ همچنین، در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ میلادی، دو برگ از این مصحف در گالری هنرهای اسلامی سم فوگ (Sam Fogg) واقع در لندن پیدا شد^۲ و سرانجام به فروش رسید که اکنون برگی از آن در موزه هنرهای اسلامی دوحه قطر^۳ و دیگری در موزه متروپولیتن نیویورک قرار دارد.^۴ افزون بر موارد فوق، گزارش‌هایی نیز حاکی از وجود ۲۴ برگ از مصحف تاشکند در دوحه دارد (Déroche, 2013, 57-77). علاوه بر این، یک برگ از مصحف تاشکند در سال ۲۰۰۷ میلادی در موزه آقاخان به نمایش گذاشته شد (Canby, 2007, 34). برگی دیگر از این نسخه در سال ۲۰۰۸ میلادی در حراجی ساتبیز (Sotheby's) لندن به فروش رفته است. به علاوه، برگی از این مصحف در مجموعه ناصر خلیلی لندن با شناسه KFQ 96 نگهداری می‌شود.^۵

۲. قواعد رسم المصحف

پیش از پرداختن به رسم کلمات مصحف تاشکند و تطبیق آن‌ها با گزارش‌های منابع رسم المصحف، لازم است به اختصار قواعد علم رسم المصحف در اینجا ذکر شود. شایان ذکر است که در این بخش تنها به مواردی اشاره می‌شود که در نگارش آنها بین رسم المصحف و رسم الاملاء (رسم الخط معاصر عربی) تمایز و تفاوت وجود دارد و از بیان مواردی که در هر دو حیطة مشترک است، خودداری می‌شود.

^۱ <https://www.islamic-awareness.org/quran/text/mss/samarqand.html>

^۲ *Islamic Manuscripts*, 2000, Catalogue 22, Sam Fogg: London, pp. 8-9; *Islamic Calligraphy*, 2003, Catalogue 27, pp. 12-13.

^۳ تصویر یکی از صفحات این مصحف در کاتالوگ منتشرشده از مجموعه موزه دوحه قابل مشاهده است (برای اطلاعات تفصیلی نک: هیلوالا، ۲۰۱۱، م، ۶).

^۴ <https://metmuseum.org/art/collection/search/۴۵۴۶۶۱>

^۵ *Arts of the Islamic World: Including Fine Carpets and Textiles*, London, Wednesday 9 April 2008, Sotheby's: London, pp. 12-13.

^۶ <https://www.khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collections-islamic-art-single-folio-from-a-large-quran-kfq-96>

الف) قواعد حذف، زیادت و بدل

در نگارش کلمات مصحف، قواعد حذف، زیادت و بدل فراوان یافت می‌شود. طبق قاعده حذف، برخی از حروف در نگارش برخی از کلمات قرآن حذف می‌شوند. این حروف عبارتند از: الف، یاء، واو، لام و نون. برای نمونه، حذف الف در اسماء اعجمی مانند ابرهیم و اسمعیل، حذف یکی از دو یاء در کلمه «النبین»، حذف واو در «ویدع الانسان» (اسراء/ ۱۱)، حذف لام در «ألیل» و حذف نون در «نجی المؤمنین» (انبیاء/ ۸۸) از کاربردهای قاعده حذف در نگارش واژگان قرآن است (نک: ضیاع، ۱۴۲۰ق، ۲۴-۴۸).

مطابق با قاعده زیادت، برخی حروف در نگارش قرآن کریم، به کلمات آن اضافه می‌شوند. این حروف عبارتند از: الف، واو و یاء. از نمونه‌های این قاعده می‌توان به زیادت الف در «لأذبحنه» (نمل، ۲۱)، زیادت واو در «سأوریکم» (اعراف/ ۱۴۵؛ انبیاء/ ۳۷) و زیادت یاء در «بأیید» (ذاریات/ ۴۷) اشاره کرد (رک: ضیاع، ۱۴۲۰ق، ۵۳).

قاعده بدل نیز به این معناست که حرفی به جای حرفی دیگر نوشته شود. موارد این قاعده در رسم‌المصحف عبارتند از: نگارش الف به صورت واو؛ مانند: «صلوة»، نگارش الف به صورت یاء؛ مانند: «أتیکم»، نگارش تاء تأنیث به صورت تاء کشیده؛ مانند: «لعنت الله»، نگارش سین به صورت صاد؛ مانند: «ییصط» و نگارش نون تأکید به شکل الف تنوین‌دار؛ مانند: «لنفسعاً» (رک: ضیاع، ۱۴۲۰ق، ۶۲-۶۵).

ب) قاعده همزه

نگارش همزه در زبان عربی با پیچیدگی‌های زیادی همراه است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد به صورت الف، گاه به صورت یاء و گاه نیز به صورت واو نوشته می‌شود. این پیچیدگی در نگارش، طبعاً در حوزه رسم‌المصحف نیز راه یافته و موجب پدید آمدن قواعدی در ارتباط با رسم همزه شده است که در مواردی با قواعد املائی معاصر آن تفاوت دارد. مشهور است که همزه را خلیل بن احمد (د ۱۷۰ق) ابداع کرد (نک: سیوطی، ۱۳۹۴ق، ۴/۱۸۴) و پیش از آن به کار نمی‌رفت؛ یعنی در مصحف عثمانی نیز نبود و قواعد نگارش آن نیز به طبع در دوره‌های بعد پدید آمد؛ اما حتی اگر این فرض درست باشد و قواعد نگارش همزه، مدت‌ها بعد از وضع اصل آن پدید آمده باشند، باز این قواعد بسیار کهن‌اند. قواعد علم رسم‌المصحف درباره همزه بر اساس موقعیت قرار گرفتن همزه و نوع حرکت آن متفاوت است. همزه را می‌توان بر اساس نوع حرکت آن به دو دسته ساکن و متحرک تقسیم کرد.

بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند

همزه ساکن، معمولاً به صورت حرف متجانس با حرکت ماقبل نوشته می شود؛ مانند: «البَّاس»، «جِنَّا» و «المؤمنون» (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۵۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۵۳/۲-۵۵؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۵۷).

همزه متحرک نیز قواعدی دارد که به صورت اجمالی و کلی چنین است:

۱- اگر در ابتدای کلمه باشد، معمولاً به صورت الف نوشته می شود؛ مانند: «إبراهیم»، «فبأی».

۲- اگر در وسط کلمه باشد، دو حالت پیش می آید:

اگر حرف ماقبل، متحرک باشد، با توجه به حرکت همزه و نیز حرکت حرف ماقبل، معمولاً به صورت حرف متجانس با حرکت قوی تر نوشته می شود. ترتیب حرکات از قوی به ضعیف چنین است: کسره، ضمه، فتحه، سکون (_____).

اگر حرف ماقبل، ساکن باشد، بر خلاف قواعد املائی عربی، معمولاً بدون کرسی و به عبارت دیگر، به حذف صورت همزه نوشته می شود؛ مانند: «یسئلونک».

۳- اگر در آخر کلمه باشد، معمولاً به صورت حرف متجانس با حرکت ماقبل نوشته می شود؛ مانند: «بدأ»، «من سبَّ»، «نَتَّبُوا»؛ مگر در صورتی که حرف ماقبل، ساکن باشد که در این صورت، بدون پایه نوشته می شود؛ مانند: «ملء»، «الخبء» (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۶۰-۶۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۵۳/۲-۵۵؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۵۶-۶۲).

البته در این قواعد کلی استثنائاتی نیز وجود دارد که به عنوان نمونه می توان به نگارش کلمات «أبناء» (ماده، ۱۸)، «علماء» (شعراء، ۱۹۷؛ فاطر، ۲۸) و «ینبأ» (قیامه، ۱۳) با صورت واو (ابنوا، علموا و ینبؤا) و کلمه «رعیاء» (مریم، ۷۴) بدون صورت همزه اشاره کرد (برای اطلاعات بیشتر در این باره نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۵۹-۶۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۹۳۸/۴-۹۳۹؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۵۶-۶۲).

پ) قاعده فصل و وصل، و موارد دارای دو قرائت

مراد از فصل، جدا نوشتن کلمات از یکدیگر و مراد از وصل، متصل نوشتن دو کلمه به یکدیگر است. این قاعده در کلماتی مانند «أم من»، «أن لا»، «ان لم»، «أن لم»، «أن لن»، «أن لو»، «ان ما»، «ان لا»، «ان ما»، «ان ما»، «این ما»، «بئس ما»، «حیث ما»، «عن ما»، «عن من»، «فی ما»، «کل ما»، «کی لا»، «من ما» و «لام جر» مطرح است. افزون بر آن، از مثالهای فصل و وصل در قرآن کریم می توان به نگارش کلمه «ال یاسین» (صافات، ۱۳۰) به صورت منفصل و نگارش کلمه «بینوم» (طه، ۹۴) به صورت متصل اشاره کرد (در این باره رک: ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۶-۶۹).

درباره موارد دارای دو قرائت نیز باید گفت که بین رسم کلمات مصحف و قرائات آنها، ارتباط متقابلی وجود دارد؛ چنان که در کلمات زیادی از قرآن کریم، شیوه رسم کلمه، در نحوه قرائت آن تأثیرگذار است. قرائات و نسبت آنها با رسم کلمات را می توان در سه دسته کلی جای داد: الف)

مواردی که دارای دو قرائت است و رسم، تحمل هر دو را دارد؛ مانند: «مالک» و «ملک» (حمد، ۴).
ب) مواردی که دارای دو قرائت است، ولی در رسم به یکی از آنها اکتفا شده است؛ مانند نگارش کلمات «صراط» و «بیط» با صاد. ج) مواردی که دارای دو قرائت است و برای هر قرائت، وجهی جداگانه از رسم نقل شده است. در این موارد وجهی از رسم که قرائت مصحف بر اساس آن است، انتخاب می‌شود؛ مانند «ولایخاف» و «فلایخاف» در سوره شمس که در مصاحف مطابق با قرائت نافع و ابوجعفر و ابن عامر (مصاحف مدینه و شام) با فاء و در مصاحف مطابق با قرائت باقی قراء با واو نوشته می‌شود (نک: القاضی، ۱۴۲۸ق، ۶۴۴).

۳. رسم کلمات در مصحف تاشکند

رسم کلمات در مصحف تاشکند همانند سایر مصاحف کهن، با رسم املائی معاصر عربی در بسیاری از موارد متفاوت است. همانطور که گذشت، دو کتاب *المقنع فی رسم مصاحف الامصار* تألیف ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ق) و کتاب *مختصر التبیین لهجاء التنزیل* اثر ابوداود سلیمان بن نجاح (د ۴۹۶ق) قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین منابع رسم‌المصحف می‌باشند که در این مقاله نیز مرجع تطبیق کلمات مصحف تاشکند قرار گرفته‌اند. مؤلفان این دو کتاب، «شیخین علم رسم‌المصحف» لقب گرفته‌اند.

نگارش کلمات قرآن در مصحف تاشکند همچون سایر نسخه‌های خطی قدیم قرآن، هر چند در بسیاری از موارد با گزارش‌های نقل شده در علم رسم‌المصحف همخوانی دارد؛ اما در مجموع، تابع معیارها و ملاک‌های مشخصی نیست و در مواردی نگارش یک کلمه به دو صورت انجام گرفته است؛ مانند کلمه «السموات» که گاه به صورت «السموت» (بقره/۳۱) و گاه به صورت «السموات» (اسراء/۹۹) نوشته شده است. در این بخش، پس از بررسی دقیق تمامی کلمات کتابت شده در اوراق موجود از مصحف تاشکند، میزان پای‌بندی این مصحف به قواعد علم رسم‌المصحف در مقایسه با آرای شیخین بررسی خواهد شد. رسم به‌کاررفته در مصحف تاشکند از حیث میزان پای‌بندی به آرای شیخین، به سه دسته کلی قابل تقسیم است که در ادامه به ذکر آنها پرداخته می‌شود.

الف) کلمات همخوان با نقل‌های شیخین

دسته اول از کلمات مصحف تاشکند، شامل کلماتی است که با نقل‌های شیخین همخوانی و سازگاری دارد؛ در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

قاعده حذف

۱- حذف الف: در مصحف تاشکند تعداد کلماتی که به حذف الف نوشته شده و با گزارش

بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند

شیخین مطابقت دارد، فراوان است که از باب نمونه در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- الف در جمع‌های مذکر و مؤنث سالم (درباره این قاعده نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۹۹/۲-۱۰۰)؛ مانند: «بالکفرین» (بقره/ ۱۹)، «السموت» (اسراء/ ۹۹)، «طیبت» (طه/ ۸۱) و «ظلمت» (زمر/ ۶).
- الف در یاء ندا (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۱۱۸/۲)؛ مانند: «یآدم» (بقره/ ۳۵)، «بینی اسریل» (بقره/ ۴۰)، «یایها» (نساء/ ۱) و «یقوم» (اعراف/ ۵۹).
- الف در هاء تنبیه (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۱۱۷/۲)؛ مانند: «هؤلاء» (بقره/ ۸۵) و «هأنتم» (آل عمران/ ۶۶).
- الف در اسماء اعجمی (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۷۳/۲-۷۴)؛ مانند: «اسمعیل» (بقره/ ۱۲۵)، «سلیمان» (انعام/ ۸۴) و «هرون» (انعام/ ۸۴).
- الف در ضمیر «نا» متصل به ضمیر مفعولی (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۷۳/۲-۷۴)؛ مانند: «خلقنکم» و «صورنکم» (اعراف/ ۱۱).
- الف در برخی کلمات بدون قاعده خاص؛ مانند: «اصحب» (بقره/ ۳۹)، «الکتب» (بقره/ ۵۳)، «مضعفه» (آل عمران/ ۱۳۰) و «سلطن» (اعراف/ ۷۱).

۲- حذف یاء: برخی از کلمات در مصحف تاشکند به حذف یاء نوشته شده‌اند و با نقل شیخین در این باره سازگارند؛ مانند: «ابرهیم» (بقره/ ۱۲۴)، «یحی» (بقره/ ۲۵۸)، «الحوارین» (مانده/ ۱۱۱) و «بالواد» (طه/ ۱۲) (درباره رسم کلمات مذکور نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۳۳-۳۴ و ۴۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۶۸/۲، ۱۲۵، ۲۰۶، ۴۶۵).

۳- حذف واو: برخی از کلمات در مصحف تاشکند به حذف واو نوشته شده‌اند که با نقل‌های شیخین در این باره مطابقت دارند؛ مانند: «یدع الانسن» (اسراء/ ۱۱) و «یمح الله» (شوری/ ۲۴) (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۳۵ و ۳۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳۶۲/۲، ۷۸۷).

قاعده زیادت

۱- زیادت الف: در مصحف تاشکند، برخی از کلمات به زیادت الف نوشته شده و با نقل‌های شیخین در این خصوص همخوانی کامل دارند. نمونه‌هایی از این کلمات عبارتند از: «نشؤا» (هود/ ۸۷)، «لن ندعوا» (کهف/ ۱۴)، «لا اذبحنه» (نمل/ ۲۱) و «لشائ» (کهف/ ۲۳) (درباره رسم کلمات مذکور نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۶ و ۴۲ و ۴۵؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۷۸/۲، ۳۷۹، ۸۰۵).

۲- زیادت یاء: بنا به نقل شیخین، در نه کلمه «افاین» (آل عمران/ ۱۴۴؛ انبیاء/ ۳۴)، «ملایه» (اعراف/ ۱۰۳)، «بایید» (ذاریات/ ۴۷)، «باییکم» (قلم/ ۶)، «نَبَائِی» (انعام/ ۳۴)، «تِلْقَائِی» (یونس/ ۱۵)،

«ایتای» (نحل / ۹۰)، «ءانای» (طه / ۱۳۰) و «ورای» (شوری / ۵۱)، حرف یاء، اضافه می‌شود؛ (دانی، ۱۴۰۷ق، ۴۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳۶۹/۲). در مصحف تاشکند نیز برخی از این کلمات مطابق با نقل شیخین به زیادت یاء نوشته شده‌اند؛ مانند: «ملایه» (اعراف / ۱۰۳)، «ورای» (شوری / ۵۱)، «انای» (طه / ۱۳۰) و «باییت» (آل عمران / ۷۰).

قاعده بدل

در نگارش کلمات مصحف تاشکند، موارد زیادی از قاعده بدل وجود دارد که با نقل‌های شیخین مطابقت کامل دارد. این موارد به سه دسته زیر قابل تقسیم است:

- ۱- ابدال الف به واو (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۵۴؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۷۰/۲)؛ مانند: «الصلوة» (بقره / ۴۳)، «الحيوة» (فصلت / ۳۱) و «بالغدوة» (انعام / ۵۲).
- ۲- ابدال الف به یاء (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۶۳؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۶۱/۲)؛ مانند: «التوریه» (آل عمران / ۶۵) و «یتوفیکم» (انعام / ۶۰).
- ۳- ابدال تاء مربوطه با تاء مبسوطه (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۷۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲۶۸/۲)؛ مانند: «رحمت» (اعراف / ۵۶)، «نعمت» (بقره / ۲۳۱) و «لعنت» (آل عمران / ۶۱).

قاعده همزه

برخی از کلمات در مصحف تاشکند، خلاف املاهای معاصر عربی و مطابق با نقل‌های شیخین در رسم‌المصحف نوشته شده‌اند که از این میان می‌توان به کلمات «نشوا» (هود / ۸۷) و «انبوا» (انعام / ۵) اشاره کرد (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۵۷-۵۸؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۷۸/۲، ۶۹).

قاعده فصل و وصل

در قاعده فصل و وصل، نگارش بسیاری از کلمات مصحف تاشکند مطابق با نقل‌های شیخین انجام گرفته است. نمونه‌هایی از این کلمات عبارتند از: «بئسما» (بقره / ۹۰)، «اینما» (نحل / ۷۶)، «ال یاسین» (صافات / ۱۳۰) و «عما» (مؤمنون / ۴۰).

ب) کلمات همخوان با نقل‌های یکی از شیخین

دسته دوم از کلمات مصحف تاشکند از حیث نگارش، شامل کلماتی است که در مقایسه با اقوال شیخین، تنها با نقل‌های یکی از آنان همخوانی دارد.

۱- **کلمات همخوان با نقل‌های ابوعمرو دانی**: برخی از کلمات تشبیه در مصحف تاشکند به حذف الف نوشته شده‌اند که تنها با نقل ابوعمرو دانی مطابقت دارند (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۷). در زمره این کلمات می‌توان به مواردی همچون «الجمعن» (آل عمران / ۱۵۵)، «الذن» (نساء / ۱۶) و «یقومن»

(مائده / ۱۰۷) اشاره کرد. افزون بر قاعده حذف الف از کلمات تشبیه، نمونه‌های دیگری از حذف الف مطابق با نقل ابوعمر و دانی در مصحف تاشکند عبارتند از: «مبرک» (انعام / ۹۲)، «تبرک» (اعراف / ۵۴) و «الحواریون» (آل عمران / ۵۲) (در این باره نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۸؛ ضباع، ۱۴۲۰ق / ۲۷). همچنین، در موارد بسیاری مشاهده می‌شود که کلمات در مصحف تاشکند به اثبات حرف الف نوشته شده‌اند که موافق با رأی ابوعمر و مخالف با دیدگاه ابوداود است. اکثر این موارد، مرتبط با قاعده‌ای از سوی ابوعمر و است که بر اساس آن، کلمات مطابق با اوزان شش‌گانه «فَعَال»، «فِعَال»، «فاعِل»، «فَعَال»، «فُعَلان»، «فِعَلان» و نیز کلماتی که الف آن‌ها زائده بر بناء یا منقلبه از «یاء» یا «واو» باشد، با الف نوشته می‌شوند (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۴۴). برخی از این کلمات عبارتند از: «انعام» (انعام / ۱۳۸)، «خلاف» (طه / ۷۱) و «یواری» (اعراف / ۲۶). افزون بر این، برخی از کلمات مانند «لالی» (آل عمران / ۱۵۸)، در مصحف تاشکند به زیادت الف نوشته شده‌اند که تنها با نقل ابوعمر و دانی مطابقت دارند (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۵۹-۶۰). نمونه دیگر از این دسته، کلمه «لاملن» (اعراف، ۱۸) است که همزه آن (بین حروف لام و نون) بنا به نقل دانی بدون صورت نوشته می‌شود (دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۵-۲۶) و در مصحف تاشکند نیز به همین صورت ثبت شده است.

۲- کلمات همخوان با نقل‌های ابوداود: این دسته، شامل کلماتی است که در مقایسه با اقوال شیخین، تنها با نقل‌های ابوداود همخوانی دارد که نمونه‌های آن عبارتند از: «اصبعم» (بقره / ۱۹)، «ابوب» (اعراف / ۴۰)، «وحد» (انبیاء / ۱۰۸)، «ازوجا» (نحل / ۷۲) و «بزغا» (انعام / ۷۸-۷۷).

پ) کلمات ناهمخوان با نقل‌های شیخین

برخی از کلمات در مصحف تاشکند با نقل‌های هیچ‌کدام از شیخین سازگاری ندارند. این

کلمات، به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱- کلماتی که با نقل‌های شیخین مطابقت ندارند؛ اما عالمان دیگری آن وجوه از رسم‌المصحف

را در نقل‌های خود متذکر شده‌اند. در ذیل، نمونه‌هایی از این کلمات ذکر می‌شود.

▪ «ذو» (آل عمران / ۱۷۴): این کلمه در نقل شیخین، بدون الف (ذو) (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۸؛

ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۷۸/۲-۸۲) و در مصحف تاشکند، با الف (ذوا) نوشته شده است. رسم

این کلمه طبق مصحف تاشکند (یعنی به اثبات الف) در منابع دیگری نیز گزارش شده

است. تاج القراء کرمانی در این باره می‌گوید: «ابوالفضل از اصبهانی نقل کرده است که

کلمه «ذو» در پنج مورد بدون الف نوشته می‌شود: «لذو علم» (یوسف / ۶۸)؛ «إلا ذو حظ»

(فصلت، ۳۵)؛ «لذو مغفرة» (فصلت، ۴۳)؛ «ذو الفضل» (جمعه، ۴) و «ذو العرش» (بروج،

۱۵). ابوبکر به این کلمات، «ذو العرش یلقى الروح» (غافر، ۱۵) را افزوده و در مقابل،

موضع سورة فصلت را ذکر نکرده است. بر این اساس، بقیه موارد «ذو» با واو و الف (ب) صورت «ذوا» نوشته می‌شوند (کرمانی، ۱۴۳۳ق، ۹۳؛ همچنین نک: کتاب الهجاء، ۱۰۶-۱۰۷؛ ارکاتی، ۱۳۳۱ق، ۱۹۸/۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۰ق، ۴۵).

■ «یُحیی» (بقره / ۷۳): این کلمه در نقل شیخین، با یک یاء (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۴۹-۵۰؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۱۶۳/۲) و در مصحف تاشکند، با دو یاء (یحیی) نوشته شده است. این کلمه را نیز هرچند شیخین با یک یاء نقل کرده‌اند؛ اما برخی از علمای رسم آن را با دو یاء گزارش کرده‌اند (نک: مؤلف مجهول، الهجاء فی رسم المصاحف، ۱۴۳۳ق، ۹۷؛ خوارزمی، ۱۴۱۰ق، ۲۱).

■ «اذانهم» (بقره / ۱۹): این کلمه توسط شیخین به اثبات الف (اذانهم) گزارش شده است (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۴۴؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۹۹/۲)؛ حال آنکه نگارش آن در مصحف تاشکند به حذف الف (اذنهم) است. این کلمه را ابن عاشر به نقل از تجیبی به حذف الف و موافق با رسم مصحف تاشکند گزارش کرده است (نک: مَخْلَلَاتی، ۱۴۲۸ق، ۲/۶۱۳).

■ «لاتبعناکم» (آل عمران / ۱۶۷): این کلمه بر خلاف نقل شیخین (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳۸۳/۲)، در مصحف تاشکند به زیادت الف و به صورت (لاتبعناکم) نوشته شده است که این وجه از رسم را کرمانی در خط المصاحف به نقل از ابن مقسم ذکر کرده است (نک: الکرمانی، ۱۴۳۳ق، ۸۵). ارکاتی نیز درباره این کلمه می‌گوید: «زاد الجرزی فی مصحفه الف صفره قبل التاء اشاره الی الاختلاف فی زیاده الالف و عدمها و لم يتعرض له الدانی و غیره الا ان السیوطی نقل عن الکرمانی من قوله فکتبت ولا اوضعو و نحوه بالالف مکان الفتحه...» (ارکاتی، ۱۳۳۱ق، ۵۱۳/۱).

۲- کلماتی که رسم آنها مخالف نقل‌های شیخین است و در خصوص آنها، نقل دیگری که متفاوت با نقل شیخین و موافق با این مصحف باشد، یافت نمی‌شود. نمونه‌هایی از این کلمات در ادامه و در قالب دسته‌بندی‌های مختلف ذکر می‌شود.

حذف الف: برخی از کلمات در مصحف تاشکند بر خلاف تمامی منابع، به حذف الف نوشته شده‌اند که نمونه‌های آنها عبارتند از: «ایتی» (نحل / ۹۰)، «عم» (بقره / ۲۵۹) و «رمضان» (بقره / ۱۸۵). این کلمات در نقل‌های شیخین و دیگران، به اثبات الف و به صورت‌های «ایتائی» (نحل / ۹۰)، «عام» (بقره / ۲۵۹) و «رمضان» (بقره / ۱۸۵) گزارش می‌شوند.

اثبات الف: برخی از کلمات در مصحف تاشکند بر خلاف منابع رسم‌المصحف، به اثبات الف

بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند

نوشته شده‌اند که برای نمونه می‌توان به کلمات «الملائکة» (انبیاء/ ۱۰۳)، «السموات» (آل عمران ۸۳/ شوری/ ۴۹) و جنات (آل عمران/ ۱۳۶) اشاره کرد که در نقل‌ها به صورت‌های «الملئکة»، «السموت» و «جنت» گزارش شده‌اند.

زیادت الف: عده‌ای از کلمات در برخی از مواضع خاص در مصحف تاشکند به زیادت الف نوشته شده‌اند که در هیچ‌یک از منابع به این صورت گزارش نشده‌اند. نمونه این کلمات عبارتند از: «لاتینهم» (اعراف/ ۱۷)، «سایء» (هود/ ۷۷)، «تاؤزهم» (مریم/ ۸۳) و «طاوی» (طه/ ۱۲). کلمات مذکور در منابع نقلی رسم‌المصحف به صورت‌های «لاتینهم»، «سیء»، «تاؤزهم» و «طوی» گزارش شده‌اند.

همزه: شکل نگارش همزه در مصحف تاشکند در کلماتی مانند «یستهزه بهم» (بقره/ ۱۵)، «امرتی» (آل عمران/ ۴۰) و «سوأ العذاب» متفاوت با نقل‌های رسم‌المصحف است. طبق نقل‌ها و روایت‌ها، همزه در نمونه‌های مذکور، به ترتیب با کرسی یاء، کرسی الف و بدون کرسی نوشته می‌شود.

بدل: در برخی مواضع، حرف پایانی کلماتی مانند «علی» (انعام/ ۹۳)، «هدی» (انعام/ ۹۰)، «هدین» (انعام/ ۸۰) و «نعمه» (صافات، ۵۷) که در تمامی منابع رسم‌المصحف به شکل‌های مذکور نقل شده‌اند، به حرف یا شکل دیگری بدل شده و به صورت‌های «علا»، «هدا»، «هدان» و «نعمت» نوشته شده‌اند.

فصل و وصل: کلمه «ان جاءکم» (اعراف/ ۶۹) که در تمامی نقل‌ها به صورت منفصل گزارش شده است، در مصحف تاشکند به صورت متصل (انجاءکم) نوشته شده که در جای خود، جالب توجه است.

نتیجه

مصحف تاشکند، یکی از مشهورترین مصاحفی است که به خلیفه سوم نسبت داده شده است؛ با این حال، آزمایش رادیوکربن انجام‌گرفته بر روی مصحف، نوع خط و تذهیب‌های به‌کاررفته در آن و نیز وجود علائم خاص در برخی از کلمات، همگی دال بر وجود فاصله زمانی نگارش مصحف با عصر عثمان می‌باشد و نمی‌توان آن را به خلیفه سوم نسبت داد. این مصحف از لحاظ علم خط‌شناسی، به نیمه دوم قرن هشتم میلادی و قرن دوم هجری قمری تعلق دارد. همچنین، در پرتو آزمایش‌های رادیوکربن، مصحف تاشکند با احتمال ۶۸ درصد به بازه زمانی ۶۴۰ تا ۷۶۵ میلادی (معادل سال‌های ۱۹ تا ۱۴۸ هجری قمری) و با احتمال ۹۵ درصد به بازه زمانی ۵۹۵ تا ۸۵۵ میلادی (معادل ۲۷ سال پیش از هجرت تا سال ۲۴۰ هجری قمری) بازمی‌گردد.

کلمات مصحف تاشکند در مقایسه با قواعد علم رسم المصحف به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کلماتی که با نقل‌های شیخین در دو کتاب المقنع و مختصر التبین همخوانی دارند؛ ۲- کلماتی که تنها با نقل‌های یکی از شیخین (ابوعمر و دانی در المقنع یا ابوداود در مختصر التبین) همخوانی دارند؛ ۳- کلماتی که با نقل‌های شیخین در کتاب‌های المقنع و مختصر التبین ناهمخوان‌اند. به طور کلی، از اوراق باقی‌مانده مصحف تاشکند، حدود هشتاد درصد رسم کلمات آن، موافق با نقل‌های یکی از شیخین یا هر دو آن‌هاست و تنها بیست درصد کلمات اختلافی، مخالف با نظر هر دو شیخ نگارش شده که این موارد، به دو بخش قابل تقسیم است: الف) کلماتی که با نقل‌های شیخین مطابقت ندارند؛ اما عالمان دیگری آن وجوه از رسم المصحف را در نقل‌های خود ذکر کرده‌اند؛ مانند: «ذوا» (به زیادت الف)، «یحیی» (با دو یاء)، «لا اتبعناکم» (به زیادت الف)؛ ب) کلماتی که رسم آن‌ها مخالف نقل شیخین بوده و گزارش دیگری در جهت موافقت با این مصحف، یافت نمی‌شود؛ مانند: «طاوی» و «سایء» (به زیادت الف)، و «انجاءکم» (به صورت متصل). بر این اساس، با مراجعه مستقیم به مصاحف کهن و بررسی شیوه رسم کلمات آن‌ها می‌توان در جهت تکمیل و حتی اصلاح قواعد و نقل‌های تاریخی رسم المصحف قدم برداشت.

منابع

قرآن کریم

۱. الأركاتی، محمد غوث بن محمد (۱۳۳۱ق)، *نشر المرجان فی رسم نظم القرآن*، حیدرآباد دکن، مطبعة عثمان بریس.
۲. آلتی قولاج، طیار (۲۰۰۹م)، *المصحف الشریف المنسوب الی عثمان بن عفان نسخة المشهد الحسینی بالقاهرة*، استانبول، مرکز الابحاث للتاریخ والفنون والثقافة الاسلامیة باستانبول.
۳. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ دمشق*، المحقق: عمرو بن غرامه العمروی، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۴. ابوداود، سلیمان بن نجاح (۱۴۲۱ق)، *مختصر التبین لهجاء التنزیل*، مدینه، مجمع فهد لطباعة المصحف الشریف.
۵. بارتولد و بویل (۱۳۸۶ش)، «برکه خان»، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۳، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۶. توکلی، مرتضی؛ محمدی، مجتبی (۱۳۹۶ش)، *بررسی مصحف اهدائی رئیس جمهور روسیه به*

بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند

- رهبر انقلاب اسلامی ایران، مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
۷. حبیبی مظاهری، مسعود (۱۳۸۳ش)، «ببیرس بندقداری»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۳، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۸. حجتی، محمدباقر (۱۳۸۳ش)، «سرگذشت مصحف منسوب به عثمان در موزه‌ی تاشکند»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۷۶.
۹. خوارزمی، یوسف بن محمود (۱۴۱۰ق)، *موجز کتاب التقریب فی رسم المصحف العثماني*، دمشق، دارالمعرفه.
۱۰. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید (۱۴۰۷ق)، *المقنع فی معرفه مرسوم مصاحف اهل الامصار*، دمشق، دارالفکر.
۱۱. دروش، فرانسوا (۱۳۹۴ش)، *قرآن‌های عصر اموی مقدمه‌ای در باب کهن ترین مصاحف*، ترجمه: مرتضی کریمی نیا و آلاء وحیدنیا، تهران، هرمس.
۱۲. رامیار، محمود (۱۳۶۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۳. ریزفان، یفیم (۱۴۳۲ق)، *القرآن الکریم فی روسیا*، دبی، مرکز جمعۀ ماجد للثقافه والتراث.
۱۴. زریاب خویی، عباس (۱۳۸۴ش)، *دانشنامه ایران*، جلد ۲، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (بی تا)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، بیروت، دار الفکر.
۱۶. ضباع، علی محمد (۱۴۲۰ق)، *سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الكتاب المبین*، قاهره، المكتبة الازهریة للتراث.
۱۷. کرمانی، ابوالقاسم محمود بن حمزه (۱۴۳۳ق)، *خط المصاحف*، تحقیق: غانم قدوری الحمد، طبعه خاصه بمناسبه انعقاد الدورة العاشرة لجائزة سيد جنيد عالم الدولية للقرآن الکریم.
۱۸. القاضی، عبدالفتاح عبدالغنی (۱۴۱۸ق)، *البدور الزاهرة فی القرائات العشر المتواترة*، دمشق، دار البيروتی.
۱۹. قدوری الحمد، غانم (بی تا)، *رسم المصحف دراسة لغویة تاریخیة*، مؤسسه المطبوعات العربیة، بیروت.
۲۰. مؤلف مجهول (۱۴۳۳ق)، *الهجاء فی رسم المصاحف*، تحقیق: غانم قدوری الحمد، العراق، جامعه التکریت، دار الغوثانی للدراسات القرآنیة.
۲۱. مخدوم، اسماعیل (۱۹۷۱م)، *تاریخ المصحف العثماني فی طشقند*، طشقند، الإدارة التربویة

لمسلمی آسیا الوسطی.

٢٢. مخللاتی، رضوان بن محمد (١٤٢٨ق)، *إرشاد القراء والکاتبین إلى معرفة رسم الكتاب المبین*،

إسماعیلیه، مکتبه الامام البخاری.

٢٣. هیلوالا، فراناک (٢٠١١م)، *قراءة المخطوطات القرآنیة متحف الفن الاسلامی*، قطر، دار

بلومزبری.

24. Canby, Sheila A. (2007), *Splendori a corte: arti del mondo islamico nelle collezioni del Museo Aga Khan*, Milano, Olivares.
25. Déroche, F. (2003), "Manuscripts of the Qur'an", *Encyclopaedia of the Qur'an*, Brill.
26. Déroche, F. (2013), "Twenty Leaves from the Tashkent Qur'an", in S. Blair & J. Bloom (Eds.), *God Is Beautiful and Loves Beauty: The Object in Islamic Art and Culture*, Yale University Press.
27. Jeffery, A.; Mendelsohn, I. (1942), "The Orthography of the Samarqand Quran Codex", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 62, No. 3.
28. Mendelsohn, Isaac (1940), "The Columbia University Copy Of the Samarqand Kufic Qur'an", *The Moslem World*.
29. Rezvan, E. (2008), "The Quran and Power in Russia I: Manuscript", *Manuscripta Orientalia*. Vol 14, No. 2.
30. Rezvan, E. (2004), *The Qur'ān of 'Uthmān (St. Petersburg, Katta-Langar, Bukhara, Tashkent)*, St. Petersburg.
31. Rezvan, E. (2009), *The Secret of the Uthman Qur'an*, Hermitage.
32. Shebunin, A. (1891), "Kuficheskii Koran Imp. SPB. Publichnoi Biblioteki", *Zapiski Vostochnago Otdieleniia Imperatorskago Russkago Arkheologicheskago Obshchestva*, Volume 6.
33. Lansdell, H. (1970), *Russian Central Asia*, New York, Arno Press.
34. <https://corpuscoranicum.de>
35. <http://www.quranrasm.ir/>
36. <https://metmuseum.org>
37. <https://islamic-awareness.org>